

پژوهش بر روی تاریخ خط آغاز سفر باشکوهی به سوی زمان گذشته است و گام نهادن در راهی دراز که در آغاز آن انسان‌ها، نخستین وسیلهٔ رد و بدل پیام‌ها را بدون آن که فرستنده و گیرنده همدیگر را ببینند یافته‌اند. این پژوهش از سویی از باستان‌شناسی و تاریخ و داده‌های تاریخی کمک می‌گیرد و از سویی دست به دامان اسطوره‌هایی می‌شود که از دیر باز دربارهٔ اختراع خط روایت شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

*

اگر آغاز نگارش را از زمانی بدانیم که بشر خواسته است آنچه را می‌اندیشد نقش کند و به دیگران برساند، پس نخستین نگاره‌های روی سفال‌ها نخستین گام برای نوشتن بوده است، و از آنجا که برخی از دانشمندان و از آن جمله گیرشمن زادگاه اولیهٔ سفال‌های منقوش را نواحی غرب سرزمین ایران می‌دانند^۱. پس در آغاز این شاهراه فرهنگی، سرزمین ما جای دارد. گرچه با دلایلی که عرضه خواهد شد نیاکان ما دیرتر از دیگران در به روی خط گشوده‌اند.

* این مقاله متن سخنرانی نگارنده در سمینار لوح تالوح است که در تیر ماه ۱۳۸۴ به پایمردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار گردید و مجموعه مقالات این سمینار بزودی منتشر خواهد شد.

1. Ghirshman 1951. p. 21

دانشمندان معتقدند که خط به معنای واقعی و کاربردی خود، در بین النهرین از حدود پنج هزار سال پیش پای گرفته است^۱ و سومر گاهواره اصلی آن است^۲.

قدیمی ترین مدارک شناخته شده در این زمینه لوحه های اداری شهر اوروک در سومر هستند^۳. اوروک (ارخ در تورات) که با نام جدید و ارگا نیز شناخته می شود در کناره شاخه اصلی رود فرات در حدود ۶۵ کیلومتری شمال غربی اور بینان گذاری شده بود^۴.

گرچه نخستین و یکی از مهمترین دولت شهرهایی که «پادشاهی در آن از آسمان فرود آمد»، شهر کیش بود، اما با گذشت زمان دولت شهر اوروک کسب قدرت و برتری دولت شهر کیش را به خطر انداخت^۵.

در لوحه های یافت شده در بین النهرین، داستانهای گوناگون و پر حادثه ای بازگو کننده دیدگاه مردم آن سامان درباره آغاز نگارش است و اختصاصاً به اوروک ارتباط پیدا می کند و بنابراین روایت، حيله برای به دست آوردن قدرت پایه گذار خط می شود^۶.

انمرکر^۷ پادشاه افسانه ای دولت شهر اوروک و به قولی بنیان گذار آن تصمیم به نبرد با این سوهگیرنه^۸ پادشاه شهر آرته^۹ می گیرد که شهری بیگانه و با داشتن زر و سیم و لاجورد به ثروتمندی شهره. باستان شناسان نوعی همسانی میان این شهر و ناحیه کرمان در جنوب شرقی ایران یافته اند^{۱۰}.

انمرکر دومین شاه از سلسله نخست پس از طوفان است که گیل گمش پنجمین آن خواهد بود^{۱۱}. او بر آن است که همه هوش و فراست خود را به کار گیرد تا بر شاه سرزمین آرته پیروز شود، ثروت آن را به دست آورد و مردم آن را به بیگاری وادارد.

رویارویی این دو فرمانروا به صورت جنگ معمولی که با لشگرکشی همراه باشد روایت نشده است. صف آرابی آنان از لونی دیگر است.

انمرکر سه بار فرستاده ای را برای به زیر فرمان در آوردن رقیب، با قوانین آن روزگاران گسیل

1. Descamps. 2002. P. 10

۲- مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۶۰ و ۶۵

3. Descamps, Ilid

۵- همان. ص ۷۶.

۴- مجیدزاده، همان. ص ۵۷.

6. Glassner, 2002. p. 33

7. Enmerker

8. En - Suhgirana

9. Arrata

۱۱- رو همان. ص ۱۱۰-۱۱۳

۱۰- رو، ۱۳۶۹، ص ۱۱۲ و ۲۲۴



● دکتر زاله آموزگار (عکس از مرتضی هاشمی پور)

می‌کند. فرستاده از هفت کوه که سومر را از ارته جدا می‌کند می‌گذرد و به دربار شاه ارته می‌رسد. این فرستاده شیئی با خود همراه دارد که باید به دست این شاه بدهد. این شیء عضای پادشاهی است و نماد آشکار از قدرت و نفوذ شخص انمرکر. شاه ارته نیز به نوبه خود هوشیار است و قانون این بازی را می‌شناسد و می‌داند که اگر آن را به دست بگیرد، بر شکست خود اقرار کرده است و گوش به فرمان بودن را پذیرفته، لذا بهیچوجه زیر بار نمی‌رود.

این عمل سه بار تکرار می‌شود فرستاده با همان نیت و با همان شیء و با ترفندهای دیگر به دربار شاه ارته می‌آید و او مقاومت می‌کند.

انمرکر که سه بار شکست خورده است، چهارمین بار فرستاده را با حيله‌ای جدید گسیل می‌دارد. او این بار بدون یاری گرفتن از ایزدان، به وسیله‌ای نو دست می‌یابد. او خط و لوحه گلی را که خط بر آن نوشته می‌شود اختراع می‌کند. بر این لوحه فرمان جدید خود را مبنی بر فرمانبرداری رقیب می‌نگارد و به دست فرستاده می‌سپارد و شرایط را چنان فراهم می‌کند که شاه ارته نمی‌تواند از دامی که برای او گسترده شده است خود را کنار بکشد. او برای خواندن پیام نوشته شده بر روی لوح مجبور است آن را در دست بگیرد و این شکست اوست.

پیام نوشته شده بر لوح این است: «میخ فرو رفته است» و این مفهوم با یاری نشانه‌ای خطی بیان می‌گردد که دو ارزش معنایی دارد.

راوی در دنباله این داستان رزمی، مفهوم عبارت را توضیح می‌دهد که این علامت و این مفهوم محتوای عمیقی دارد و اصطلاح «میخ فرو کردن» برای فرهنگ بین‌النهرین اصطلاحی آشناست و ترجمان عملی قانونی - جادویی مرسوم در هزاره سوم و دوم پیش از میلاد است و مفهوم آن واگذاری شیء منقول یا غیرمنقول و انتقال زمین یا فروش خانه یا برده‌ای به دیگری است.^۱

درون مایه پیام انمرکر در آن لوح، خطاب به شاه ارته این بوده است که او با گرفتن آن لوح نگارش شده در دست، میخ فرمانروایی انمرکر را در قلب فرمانروایی خود پذیرفته است و دیگر راه‌گریزی ندارد و مجبور است مغلوب بودن را بپذیرد.

*

با این داستان، سومری‌ها نگارش را اختراعی انسانی می‌دانند که از تأثیری شگرف برخوردار است و حيله و خدعه در پشت آن؛ در حالی که زبان و گفتار را داده‌ای ایزدی به شمار می‌آورند. واژه‌های زبان هدیه خدایان است و از تقدس برخوردار. چون با نامیدن هر شیء آن شیء به هستی در می‌آید. در داستانهای اساطیری آمده است که مردوک در جمع خدایان برای این که توانایی خود را نشان دهد اشیاء را می‌نامید و آنها ظاهر می‌شدند.^۲

با نگارش، انسان کلمات زبان را در نشانه‌ها زندانی می‌کند و قدرت دستکاری کردن در آنها را دارد. خط نوعی تخطی انسانی است از سلطه خدایان. زیرا انسان با خط و نگارش کلمات به ابزاری دست یافته است که بر روی اعمال خدایان اعمال قدرت کند.

بدین ترتیب، در فرهنگ بین‌النهرینی، دو گونه قدرت به نمایش در می‌آید: آنچه از نیروی خدایان بر می‌آید و بر روی گفتار پایه‌گذاری شده است و آنچه خاص انسان است و بر نوشته متکی است.

بعدها، در هزاره اول پیش از میلاد، در بابل و آشور روایت دیگری از اختراع خط، جانشین روایت فوق شد.

بروسوس^۳، کاهن معبد مردوک که بر دانش هزاره سوم مسلط بود^۴ اجازه یافت که به یونانی

1. Descamps, 2002, p. 33 - 34

2. Descamps, 2002, p. 35

3. Berosos/ Beressos

۴- بروسوس تاریخ‌نویس قرن سوم پیش از میلاد، کاهن پرستشگاه مردوک بود که کتاب تاریخ خود را به آنتیوخوس پادشاه سلوکی تقدیم کرد. این اثر مشهور به یونانی نوشته شده بود و تاریخ بابل را از پیش از

تاریخ بابل را از آغاز و از پیش از توفان بنگارد. در آن تاریخ او اظهار نظر می‌کند که خط از پیش از توفان وجود داشته است و بشریت این اطلاعات را از شخصیتی به نام اوآنس^۱، با چهره‌ای اساطیری که آمیزه‌ای از انسان - ماهی بوده است به دست آورده است. او از دریای سرخ بر آمده است و به مردمان هنر نگارش را همراه با دیگر دانش‌ها از قبیل شخم کردن و شیار کردن زمین آموخته است و مجدداً در دریا پنهان شده و به اصل خود باز گشته است^۲

بدین سان در اسطوره‌های بین‌النهرینی خط به دوران کمی پس از خلقت جهان و پیش از توفان سوق داده می‌شود. بروسوس در تاریخ خود تأکید می‌کند که قهرمان توفان اوتناپیش تیم^۳، در همان زمان که از قریب الوقوع بودن توفان عظیم باخبر شده بود، از سوی خدایان فرمان یافته بود که الواح نگارش شده را مدفون کند و او آنها را در شهر سیپ پر^۴ به خاک سپرد^۵ بعدها زمانی که از توانایی‌های فرهنگی آشوریانی پال (۶۱۸ - ۶۳۱ ق. م) سخن به میان می‌آید، ادعا می‌شود که او در حدی از آگاهی بود که بتواند نوشته‌های روی سنگ بازمانده از دوران پیش از توفان را بخواند و از آن لذت برد.^۶

*

پا به پای پیشرفت‌هایی که در بین‌النهرین نصیب خط می‌شود و از صورت تصویری به الفبایی در می‌آید، در روند اسطوره‌ای نیز تغییراتی حاصل می‌شود و روایتهای مربوط به خط حضوری روشن‌تر می‌یابد.

در داستانهای بعدی بین‌النهرین، چهره کتابت با ایزد نبو/ نابو^۷ مشخص می‌شود. نبو یکی از خدایانی است که در دوران نوآشوری و نو بابل شهرت فراوانی دارد، پسر مردوک است و از چنان محبوبیتی برخوردار که به صورت جزء ترکیبی نام بیشتر شاهان آن دوره در می‌آید، مانند نبوپولسر، نبوکد نصر و غیره...^۸. مرکز پرستش او معبد ازیده^۹ در شهر بوریسیه^{۱۰} است که

توفان تا زمان اسکندر روایت کرده است: پورداود ۱۳۸۰، ص ۹۸ - ۹۴؛ پورداود ۱۳۸۰ الف ص ۱۲۸ -

۱۲۷ و هم چنین مجیدزاده، ۱۳۷۶، ص ۷۰ - ۳۶۹

1. Oannes

2. Descamps, 2002 p. 35

3. Utna - pish - tim

5. Descamps, 2002. p. 35

7. Nabu

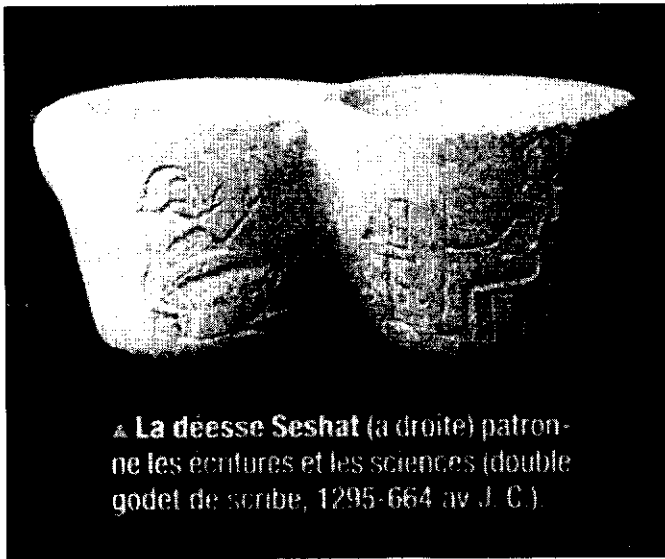
9. Ezide. Ibid. p. 82

و هم چنین پورداود، ۱۳۸۰ الف، ص ۱۲۸

4. Sippar

6. Ibid

8. Nougayrol, 1965, p. 46



▲ La déesse Seshat (à droite) patronne les écritures et les sciences (double godet de scribe, 1295-664 av. J. C.).

● SESHAT ایزد بانوی سِسْهَت موکل بر نوشته‌ها. بر روی دو تاتی دو دهنه مربوط به هزارهٔ پیش از میلاد.

کتابخانهٔ معروفی داشته است و آشوریانی پال بر آن کتابخانه دست یافته است^{۱۱} نیو در بین‌النهرین ایزد نگارش و حامی کاتبان به شمار می‌آید و به او لقب خدای دبیر و خدای دانشمند می‌دهند^{۱۲}. نشانهٔ او قلم است که برای نگارش و یا حک علامتهای نگارشی بر روی لوحه‌ها به کار می‌رفته است و گاهی نشانهٔ او اسکنهٔ کنده کاری است^{۱۳}. در نقش‌های بازمانده او را در حال استراحت و بر بالای تختی که بر روی اژدهای معروف موش هوش شو^{۱۴} که بارهٔ مردوک است می‌بینیم. نیو خدای مجمع دبیران بود. دبیران در بین‌النهرین طبقهٔ مقتدری را تشکیل می‌دادند و آنها توانستند خدای خود را به بالاترین طبقهٔ این مجمع سوق دهند. نیو ضمن این که خدای خط و نگارش هست، خدای خرد و فرزاندگی نیز به شمار می‌آید و مأموریت مهم نگارش لوحه‌های سرنوشت به او واگذار می‌گردد و با این عنوان هر سال به بابل می‌رود تا در آغاز سال نو در مراسم

10. Borsippa

۱۱- مک کال، ۱۳۷۳، ص ۲۴ و ۲۵ و ۳۷

12. Nougayrol, 1965. p. 46

13. Ibid.

14. Muš - huš - šu

تثبیت سرنوشت شرکت کند^۱

ایزد بانویی به نام نَسَبه^۲ نیز در اساطیر بین‌النهرین، به عنوان ایزد بانوی نگارش، هوش، ریاضیات و نجوم در کنار نبو دیده می‌شود.^۳

*

در مصر، در روایت‌ها و بخصوص در روایت پلین^۴ مورخ رومی قرن اول میلادی، اختراع خط هیروکلیمف کلاسیک را به سلسله تین و به منس^۵ نسبت می‌دهند. همان‌طور که می‌دانیم اولین دودمان فرمانروایان مصری با پادشاهی افسانه‌ای منس آغاز می‌شود. بعدها مصریان او را به عنوان پادشاهی که مصر سفلی و علیا را با هم متحد کرد می‌شناسند و او را به هزاره سوم ق. م منتسب می‌کنند. اما از نظر تاریخی نمی‌توان به وجود آمدن سیستم هیروکلیمفی را به شاه مصری مشخصی منسوب کرد^۶

در میان خدایان مصری ایزد توت/ ثوت^۷ را مخترع خط به شمار آورده‌اند.^۸ این ایزد که با سری به شکل لک لک در نقش‌های مصر ظاهر می‌شود، خدای شهر هرموپولیس^۹ است و خدای خاص دبیران و دانشمندان به شمار می‌آید. او در نقش کتاب آسمانی اعمال روان درگذشتگان را در پیشگاه اوزیریس، خدای دنیای مردگان می‌نگارد^{۱۰}. او که نماد خرد در اساطیر مصر است، از سوی رَع مأموریت می‌یابد که اعمال نوع بشر را تحت نظر داشته باشد و علم نگارش هیروکلیمف را که از او به دست آورده است، به دستور خود او بر مردم آشکار کند^{۱۱}

نوجوانان مصری که برای آموختن نگارش به مدرسه می‌رفتند، می‌بایست ابتدا به ایزد توت نیایش به جای آورند؛ به دلیل این که توت ارباب دبیران بود و هر نویسنده‌ای در مصر از توت الهام می‌گرفت^{۱۲}

در میان خدایان مصری ایزد بانویی به نام بِسَهت^{۱۳}، به عنوان خدای سالنامه‌ها دیده می‌شود. این ایزد که نقش او را روی دوات دو دهانه‌ای متعلق به اواسط هزاره دوم پیش از میلاد

1. Nougayrol, 1965. p. 46

2. Nisaba.

3. Nougayrol, Ibid.

4. Pline

5. Menes

6. Aufreere, 2002, p. 44.

7. Toth/ Thot

8. Mekhitarian, 1964, p. 34

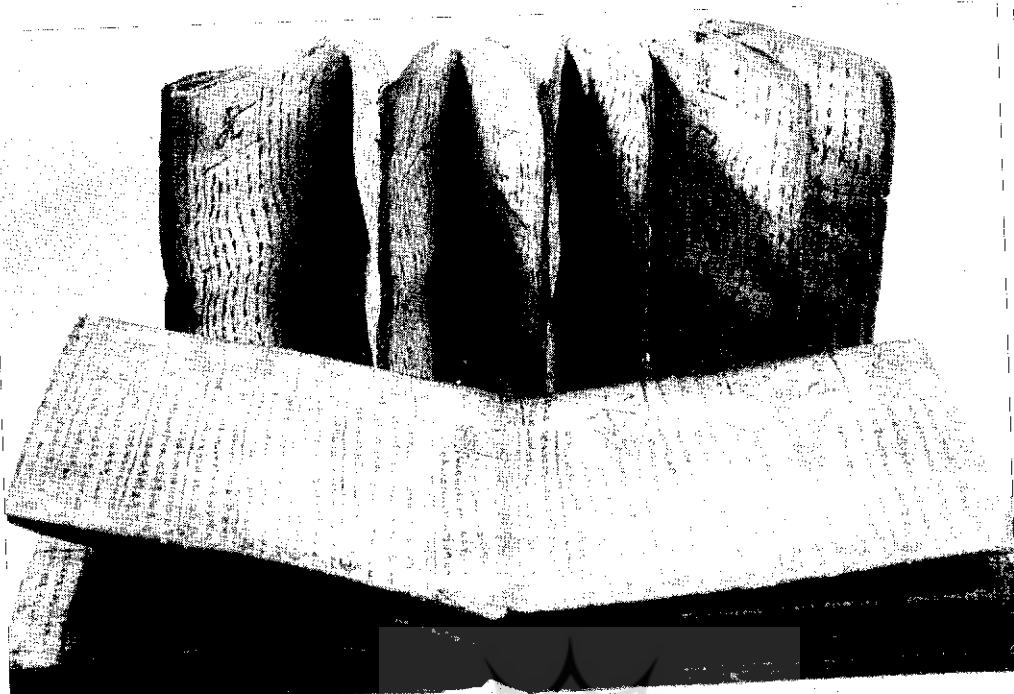
9. Hermopolis

۱۱- همان. ص ۶۱

۱۰- هارت، ۱۳۷۴، ص ۲۱

12. Dumas, 1968, p. 113 - 114

13. Seshat



در دست داریم^۱ بر خط و نوشته‌ها و دانش‌ها سروری دارد.^۲

*

در گذر از بین‌النهرین و مصر به یونان و هند و ایران می‌رسیم که خط و نگارش در آغاز، در این سرزمین‌ها نقش کم رنگتری دارد.

یونان هم در آغاز، بر فرهنگ شفاهی متکی است. حتی در سدهٔ هفتم ق. م. هم تمدن یونان تمدن نگارشی نیست و یونان در فرهنگی زندگی می‌کند که در آن گفتار نقش اساسی را دارد.

شعرهای رزمی و بزمی و اخلاقی هنوز به نگارش در نیامده‌اند.^۳

با این که نخستین حروف الفبایی یونانی، «آلفا، بتا»، نام خود را به کل الفبای جهانی داده‌اند، اما یونانیان این نظام را اختراع نکرده‌اند، بلکه از فینیقی‌ها به وام گرفته‌اند و با توجه به اهمیت سنت شفاهی، سعی کرده‌اند به شکلی کاملاً متفاوت با آنچه در فرهنگ مینسی و فینیقی بوده است برگردانند و با وارد کردن حروف صدادار به خط، شاید خواسته‌اند که خط کاملاً ترجمان گفتار

1. Aufreere, 2002. p. 52

2. Mekhitarian, 1964 p. 34

3. Vernan, 1998, p. 197

باشد.^۱

در میان خدایان اصلی اَلمپ، ایزدی موکل بر نگارش وجود ندارد. و خط وارد حیطة خدایان نمی‌شود، اما همانطور که می‌دانیم گروه نه‌گانه‌ای از ایزد بانوان کهنتری به نام «موزها» وجود دارند که دختران زنوس هستند از همسری به نام منوموزین^۲ (یعنی حافظه). این پریان زیبا الهام‌بخش شعر و هنر و رقص و تاریخ و تراژدی و کمدی هستند و تا این موزها به سراغ هنرمندان نیایند، آنها نمی‌توانند اثری عالی بیافرینند. شاید از میان آنها بتوان کالیوپ^۳ (به معنی صورت زیبا) را که مهمترین و برجسته‌ترین این پریان هست و همیشه لوح و قلمی در پیش دارد و بر فصاحت و بلاغت و زیبا سرودن اشعار سروری می‌کند، به عنوان ایزد نگارش نیز تلقی کرد.^۴

*

در هند نیز همیشه سنت شفاهی بر سنت کتبی برتری تمام داشته است و نگارش نقشی در اساطیر هند بازی نمی‌کند و در دوره ودایی نیز نشانه‌ای از نگارش در دست نیست.^۵ بنا بر ودانگفتار نیروی خلاقه خود را دارد و برهما با گفتار جهان را می‌آفریند و بر شمردن ودایا در کمال و بدون کوچکترین لغزش و وظیفه‌ای مقدس است.^۶ برهما با برشمردن سرودهای ودایا، نسل به نسل حفظ جاودانه آن را تضمین می‌کنند. در سنت ودایی، برهما سخن نمی‌گوید بلکه این وداست که از زبان او شنیده می‌شود.^۷

هندیان را در تقدس گفتار عقیده بر این است که اگر اوراد منتره^۸ (یعنی گفتار مقدس) به بهترین صورت خوانده شود اثر سحرآمیزی پدید می‌آورد و در آن صورت حاجت‌ها به اجابت می‌پیوندند و نیایش‌هایی که این چنین انجام گیرد، نیرویی لطیف و وصف‌ناپذیر از خود باقی می‌گذارد که آثار آن چندی بعد به طور مرموزی محسوس می‌شود.^۹ منتره‌ها برای این که تأثیر بیخشند باید مستقیماً به کار گرفته شوند، یعنی باید به صورت شفاهی ادا شوند، منتره مکتوب این نیرو را ندارد و منتره‌ها را نمی‌توان از راه نوشته‌ها آموخت.^{۱۰}

۱- همانجا، ص ۱۹۹.

این موضوع را می‌توان با اختراع خط اوستایی و به کتابت در آوردن اوستا با خط آوانگار مقایسه کرد.

2. Mnemosyne

3. Calliope

4. Hamilton, 1978. p. 34; Commolin, 1960, p. 89, 389

5. Padioteau, 2002. p. 118

۶- همانجا و هم چنین: شایگان ۱۳۶۲، ص ۲۱

7. Padioteau, p. 118 - 120

8. Mantra

۱۰- آموزگار ۱۳۸۲، ص ۳۶

۹- شایگان همانجا

هندیان دوران باستان را عقیده بر این بود که این سرودها مقدس تر از آنند که در قید حروف درآیند و بدین سان نیمی از برکت ذاتی خود را از کف بدهند^۱. ولی ضمناً در اساطیر هند ایزد بانوی سرشوتی^۲ که سرچشمه و اساس آفرینش با کلام است، ایزد بانوی بلاغت و خردمندی و دانش هم به شمار می‌آید. همین ایزد بانو هم زبان و هم نگارش را بر انسان آشکار می‌کند.^۳ اما با وجود این، در هند باید سخن از سنگنوشته‌های آشوکا^۴ نیز به میان آورد که به قرن سوم ق. م. تعلق دارند و نوعی گسست با ادبیات و دایی را نشان می‌دهند. در این سنگنوشته‌ها پیام نگارش شده از شخص شاه است و چنین القاء می‌شود که این پیام از قدرت او جدا نشدنی است. این کتیبه‌ها که نوعی فرمان مکتوب هستند به اول شخص نوشته شده‌اند و آنها را می‌بایست به صدای بلند بخوانند. رعایا به این ترتیب می‌توانستند، گفتار شاه را همان طور که به دبیران اعلام کرده بود بشنوند.^۵

*

در اساطیر ایران نیز به دلیل تقدسی که به منتره^۶ (یعنی گفتار مقدس) داده می‌شود و به دلیل اهمیتی که ایزد مانسرسپند^۷، ایزد موکل بر کلام مقدس که دهمین آفریده مینوئی او رمزد است، در دنیای فراسوی ایران دارد، خط مقامی نمی‌یابد و هرگز قدرت آن همپای نیروی جادویی سخن نمی‌شود.^۸

۷۶

ما نه تنها ایزد موکل بر نگارش نداریم، بلکه در فرهنگ کهن ایرانی خط پدیده‌ای دیوی و هنری است که تهمورث از اهریمن و دیوان می‌آموزد.^۹

تهمورث در تاریخ اساطیری ایران پس از کیومرث و هوشنگ جای می‌گیرد. نام او با نیرومندی ارتباط دارد و در متن‌های پهلوی با صفت زیناوند به معنی هوشیار آمده است.^{۱۰} در شاهنامه لقب دیوبند دارد که شاید تصحیف زیناوند باشد. تهمورث بر اهریمن به افسون پیروز می‌شود او را باره خود می‌کند و گرد جهان می‌تازد.

۱- شایگان، ص ۳۱

2. Sarasvati

3. Danielou, 1960 p. 398

4. Ashuka

5. Palidoleau, 2002, p. 120

6. Manthara

7. Mansarspand

۹- آموزگار، ۱۳۷۱، ص ۱۹.

۸- آموزگار، ۱۳۸۲، ص ۳۹

۱۰- کریستن سن ۱۳۷۷، ص ۱۶۶.

دیوان را که خیال گردن کشی دارند، گرفتار می‌کند و به گرز گران می‌بندد و آنان زینهار می‌خواهند:

بیاموزی از ماکت آید ببر^۱

که ما را مکش تا یکی نو هنر

و سپس دیوان:

دلش را بسه دانش برافروختند

نیشتن به خسرو بیاموختند

چه رومی، چه تازی و چه پارسی

نیشتن یکی نه که نزدیک سی

نگاریدن آن کجا بشنوی،

چه سفدی، چه چینی و چه پهلوی

اگر سابقه نسبت دادن خط را به تهمورث و به بند کشیدن دیوان را در سنت ایرانی مدنظر قرار دهیم می‌بینیم که در اوستا به سوار شدن تهمورث بر اهریمن و غلبه او بر دیوان اشاره شده است^۲ ولی صحبتی از اختراع خط نیست.

در دینکرد^۳ و در دادستان دینیگ^۴ هم همین داستان به همین گونه ذکر می‌شود. اما در مینوی خرد^۵ آمده است که تهمورث اهریمن را سی سال باره خود کرد و هفت گونه خط را که آن بدکار پنهان کرده بود آشکار کرد. در ائوگمده^۶ چه^۶ نیز این مطلب تکرار می‌شود.

بیشتر منابع اسلامی نیز آوردن خط و نوشتن را به تهمورث نسبت داده‌اند، مانند طبری و بلعمی و ثعالبی و ابن بلخی،^۷ اما مؤلف الفهرست می‌نویسد^۸ که در این مورد نظرهای گوناگونی میان ایرانیان وجود داشته است. بعضی از آنان کیومرث و بعضی دیگر حتی ضحاک را آورنده^۹ هنر نویسندگی می‌دانند. ابن ندیم حتی نام جمشید را هم به میان می‌آورد و همین نوشته از قول ابن مقفع تعداد خطوط ایرانیان را هفت ذکر کرده است.^۹ تنها در شاهنامه رقم سی به چشم می‌خورد

اکنون سه مسئله مطرح می‌شود: چرا تهمورث، چرا دیوان، چرا رقم هفت.

۱ - شاهنامه فردوسی، چاپ مول، ص ۲۳ و ۲۴

۲ - رام یشت بند ۱۲؛ زامیادیشت، بند ۲۹

۳ - دینکرد هفتم، فصل یک، بند ۱۹. مدن، ص ۵۹۴ به بعد

۴ - دادستان دینیگ، فصل ۳۷، بند ۳۵، فصل ۶۵، بند ۵.

۵ - فصل ۲۶ بندهای ۲۲ - ۲۱. ترجمه تفضلی، ص ۴۵.

6. Aogmadaeca, 91 - 92

۷ - الفهرست، به کوشش تجدد، ص ۱۵

۸ - کریستن سن، ۱۳۷۷. ص ۲۳۸ به بعد

۹ - برای توضیحات بیشتر نک: صادقی ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹

کریستن سن در نام تهمورث یا تهمورپ واژهٔ ربه^۱، نام نژاد سکایی را می‌بیند و این نام نژاد در بخش‌های گوناگون آسیای مقدم که از آنجا سکائیان مهاجرت‌های خود را در نخستین هزاره گسترش داده‌اند وجود داشته است. این نام را حتی در نام اربکشد یا ارفخشد، پسر سام که در سفر تکوین آمده است^۲ و در روایت کتاب یوبیل^۳ با هنر نویسندگی ارتباطی دارد، نیز می‌توان یافت.^۴ بدین ترتیب انتساب ابداع فن نویسندگی به تهمورث باید از قدمت بیشتری برخوردار باشد، حتی اگر ذکری از آن در یشتها نیست.

احتمالاً سکائیان در مهاجرت‌های خود به مردمانی با تمدنی پیشرفته‌تر برخورد کرده‌اند که از فن نویسندگی بهره‌مند بوده‌اند و احتمال اختراع آن را به ربه نام نژاد خود منتسب کرده‌اند و بعد در سنت ایرانی، آوردن فن نویسندگی با داستان ستیز تهمورث با اهریمن مرتبط شده است.^۵ اما در مورد نسبت دادن خط به دیو، آیا نمی‌توان این فرضیه را دنبال کرد که دئوه^۶ها، خدایان جنگجوی هندی. در سنت ایرانی، نخست خدایان آئین باستانی ترند، سپس به خدایان بیگانه و بعد به خدایان دشمن و سرانجام به موجودات اهریمنی تبدیل می‌شوند^۷ و از این رو آیا در دئوه یا دیو، اقوام بیگانه را نمی‌توان یافت؟ چون نگارش در ایران فرهنگی بومی نیست و از اقوام بیگانه (سامی و بین‌النهرینی) آموخته شده است و ضحاک که بیگانه تبار است و متعلق به فرهنگ سامی، در اوستا اژدها - دیوی است و در روایت الفهرست ارتباطی با خط پیدا می‌کند.^۸ اما در مورد رقم هفت. با توجه به نظام‌های گوناگون خطی که با تفاوت‌های اندکی در دورهٔ ساسانی وجود داشته است، به دست آوردن عدد هفت کار مشکلی نیست. این عددی است که در نظر ایرانیان و هم چنین ملل دیگر که مستقیم و غیر مستقیم تحت نفوذ بابل بوده‌اند، مورد توجه خاص بوده است. از سوی دیگر بنا به سنتی که به احتمال زیاد به دوران ساسانی برمی‌گردد، زردشت اوستا را به هفت زبان تالیف کرده، یا متن آن را همراه با ترجمه‌ها و تفسیرهایی به شش

1. Rpa

۲- کتاب مقدس، سفر تکوین، فصل ۱۰، بند ۲۴

۳- کتاب یوبیل‌ها یا کتاب پنجاهه‌ها تفسیر بر نبشته‌ای است بر سفر تکوین منسوب به شخصیت‌های

کتاب مقدس

۴- کریستن سن ۱۳۷۷. ص ۲۳۶

۵- کریستن سن. همانجا.

6. Daeva

۸- الفهرست، ص ۱۵

۷- آموزگار ۱۳۷۱، ص ۱۷ و ۱۸

زبان دیگر نیز آورده است که هر یک از این هفت زبان طبعاً خط خاص خود را داشته است.^۱
این هفت زبان که گمان می‌شد که زردشت اوستا را بدانها تألیف کرده بوده است آیا می‌تواند
احتمالاً همان هفت گونه خطی باشد که تهمورث آن‌ها را از اهریمن باز گرفته بود؟

کتابنامه فارسی و پهلوی و اوستا

- ۱- آموزگار، ژاله، ۱۳۷۱، «دیوها در آغاز دیو نبودند»، ماهنامه کلک، شماره ۳۰ ص ۲۴ - ۱۶
- ۲- آموزگار، ژاله، ۱۳۸۲، «جادوی سخن در اساطیر ایران»، مجله فرهنگی هنری بخارا ص ۴۵ - ۳۳
- ۳- ائوگمده چه، به کوشش گایگر، لایپزیک، ۱۸۷۸
- ۴- ابن ندیم، الفهرست، به کوشش رضا تجدد تهران ۱۳۵۲
- ۵- اوستا، به کوشش گلدنر، نشر اساطیر، ۱۳۸۲
- ۶- پورداد، ابراهیم، ۱۳۸۰ یسنا، نشر اساطیر، تجدید چاپ
- ۷- پورداد، ابراهیم، ۱۳۸۰ الف، فرهنگ ایران باستان
- ۸- دادستان دینیک، به کوشش انکلساریا، بمبئی، ۱۹۱۱
- ۹- دینکرد به کوشش مدن، بمبئی ۱۹۱۱
- ۱۰- رو، ژرژ ۱۳۶۹ بین‌النهرین باستان ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران نشر آبی
- ۱۱- شایگان، داریوش ۱۳۶۲ ادیان و مکتب‌های فلسفی هند جلد اول و دوم، انتشارات امیرکبیر
- ۱۲- شاهنامه فردوسی، چاپ مول
- ۱۳- صادقی، علی اشرف ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹، «خطوط ایرانیان باستان»، سخن سال نوزدهم، شماره ۱۰ و سال بیستم. شماره ۲
- ۱۴- کتاب مقدس.
- ۱۵- کریستین سن، آرتور، ۱۳۷۷ نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر چشمه
- ۱۶- گیرشمن، رمان، ۱۳۷۰. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین
- ۱۷- معجدزاده، یوسف، ۱۳۷۶، تاریخ و تمدن بین‌النهرین تاریخ سیاسی، نشر دانش.
- ۱۸- مک کال، هنریتا، ۱۳۷۳، اسطوره‌های بین‌النهرین، ترجمه عباس منجیر، نشر مرکز
- ۱۹- مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی چاپ سوم، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات توس ۱۳۷۹.
- ۲۰- هارت، جرج، ۱۳۷۴، اسطوره‌های مصری، ترجمه عباس منجیر، نشر مرکز

کتابنامه لاتین

- 1 - Aufrere, Sydney, 2002, «Egypte», Science et vie, N 219
- 2 - Commelin, 1960, Mythologie greque et romaine, Paris.
- 3 - Danielou, A, 1960, Le polytheisme hindou, Coorrea.
- 4 - Descamps, Phillipe, 2002, «Une histoire canonique de dechiffrement», Science et vie, N 219
- 5 - Dumas, F. 1968. La Vie dans l'egypte ancien, P. U. F.
- 6 - Ghirshman, R. 1951, L' Iran, des origine a l' Islam,
- 7 - Glassner. Jean - Jaque, 2002, «Comment les sumeriens se racontent L'invention de l'écriture», Science et vie N 219.
- 8 - Hamilton, edith. 1978, La mythologie, Traduit par Abeth de Benghem
- 9 - Mekhitarian, A, 1964, Egypt, Bloud et Gay
- 10 - Nougayrol, J, Aynard, J. M. 1965, La Mesopotamie
- 11 - Padioleau, Amelie, 2002. «Inde, Dieu parle, le roi ecit», Sience et vie. No 219.
- 12 - Vernan, J. P. 1998, «Ecriture et religion civique en Grece»,
L'orient ancien et nous

۸.

انتشارات زوار منتشر کرده است:

- برده‌پندار و در دیار صوفیان / علی دشتی / بکوشش دکتر ماحوزی / ۲۱۶ ص / ۳۸۰۰ تومان
- آفاق غزل فارسی / دکتر داریوش صبوری / ۶۱۰ ص
- فلسفه معاصر / فردریک کاپلستن / دکتر علی اصغر حلبی / ۳۵۲ ص / ۳۵۰۰ تومان
- شرح زندگانی من / (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از کابینه قرارداد و ثوق‌الدوله تا آخر مجلس مؤسسان) / ۳ جلد / ۲۸۶۰ ص / ۱۸۵۰۰ تومان
- تهران — خیابان انقلاب — خیابان دوازدهم فروردین — نبش شهید نظری — پلاک ۳۳

تلفن ۶۶۴۶۲۵۰۳